



**Tarbiat Modares
University**

Environmental preferences of female students from the space of university campuses based on qualitative study

ABSTRACT INFO

Article Type

Original Research

Authors

1. Sahar Jalalian
- 2*. Pooyan Shahabian
3. Azadeh Lak
4. Atoosa Modiri

1. Department of Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2*. Associate Professor, Department of Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Urban and Regional Planning and Design, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*Corresponding Author

shahabian@iauctb.ac.ir

Article History

Receive : February 16 , 2024

Accepted : March 04 , 2024

ABSTRACT

Aims: The main goal of the upcoming research is to explain the principles and spatial qualities of campuses based on the environmental preferences of female students.

Methods The nature of the research is qualitative and exploratory based on the methodology of content analysis and semi-structured in-depth interviews with a total of 40 female students of the faculties of literature and humanities and basic sciences in each of the two studied universities of Tehran and Shahid beheshti is done.

Findings: According to the narrative of female students, eight criteria of urban location, university campus structure plan, faculty architecture plan, likeability, university brand, attention to the dignity and rights of female students, the attractiveness of university activities and events, and the importance of hangout in the university are among the environmental qualities. It is effective in improving the presence of female students in university campuses.

Conclusion: Based on the environmental preferences of women, in addition to physical factors, non-physical factors are also effective in the presence of women in university campuses. In addition, the space may have a suitable physical quality, but it is gendered in a way that gives the woman the feeling of being subjugated and under control. For this purpose, the physical qualities of university campuses are necessary and not sufficient to promote the presence of girls.

Key Words: Female experience, Campus, Gender space, Eenvironmental preferences of female students, Content analysis

Copyright© 2020, TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial

4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

ترجیحات محیطی دختران دانشجو از فضای پردیس‌های دانشگاهی بر اساس مطالعه کیفی

سحر جلالیان

گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پویان شهبابیان*

دانشیار گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

آزاده لک

دانشیار گروه طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.

آتوسا مدیری

استادیار گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

اهداف: هدف اصلی پژوهش پیش‌رو، تبیین اصول و کیفیت‌های فضایی پردیس‌های دانشگاهی بر اساس ترجیحات محیطی دختران دانشجو می‌باشد.

روش‌ها: ماهیت پژوهش از نوع کیفی اکتشافی می‌باشد که با تکیه بر روش‌شناسی تحلیل محتوا و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته عمیق با جمعاً ۴۰ نفر از دانشجویان دختر دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی و علوم پایه در دو دانشگاه تهران و شهید بهشتی انجام شده است. مصاحبه‌ها و دستیابی به داده‌های مناسب تا مرحله اشباع نظری ادامه یافته است.

یافته‌ها: با توجه به روایت دختران دانشجو، هشت معیار جایگاه شهری، طرح چیدمان پردیس دانشگاهی، طرح معماری دانشکده، مهرانگیزی، برند دانشگاه، توجه به شاینت و حقوق دختران دانشجو، جذابیت فعالیت‌ها و رویدادهای دانشگاهی و اهمیت پاتوق‌گرایی در دانشگاه از کیفیت‌های محیطی موثر در ارتقاء حضور دختران دانشجو در پردیس‌های دانشگاهی می‌باشد.

نتیجه‌گیری: بر اساس ترجیحات محیطی زنان، علاوه بر عوامل کالبدی، عوامل غیرکالبدی نیز در حضورپذیری دختران در پردیس‌های دانشگاهی موثر می‌باشد. علاوه بر آن ممکن است فضا واجد کیفیت کالبدی مناسب باشد اما به گونه‌ای جنسیتی شده که حس انقیاد و تحت کنترل بودن به زنان می‌دهد. بدین منظور، کیفیت‌های کالبدی پردیس‌های دانشگاهی جهت ارتقاء حضور زنان لازم و نه کافی می‌باشد.

واژگان کلیدی: تجربه زنانه، پردیس دانشگاهی، فضای جنسیتی، ترجیحات محیطی دختران دانشجو، تحلیل محتوا

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۱۱/۲۷]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۱۲/۱۴]

* نویسنده مسئول: shahabian@iauctb.ac.ir

۱. مقدمه

در جامعه معاصر ایران مفهوم «زن بودن»، بر خلاف دیدگاه سنتی که جایگاه فضایی او را خانه و اندرون می‌دانست، با تحولات چشمگیری در زمینه مناسبات جنسیتی رو به رو شده است. با این وجود به نظر می‌رسد همچنان ماهیت جنسیتی و هژمونی مردانه فضاهای شهری ناشی از فرهنگ مردسالار منجر به محدودیت‌های مکانی و اجتماعی برای زنان شده است به گونه‌ای که گاهی مجبور به نادیده گرفتن نیازهای فضایی خود می‌باشند. اکنون زنان به دلیل عهده دار شدن نقش‌های جدی اجتماعی در عرصه کار و آموزش، نه تنها به طور روزمره فضای بیرونی را تجربه کرده بلکه با آگاه شدن در مواجهه با فضاهای شهری، سهم و نقش بیشتری از آن نسبت به گذشته دارند. مصداق بارز این مهم، حضور پررنگ و مشارکت چشمگیر زنان امروزی در آموزش عالی می‌باشد. «پردیس دانشگاهی» یکی از فضاهای مدرن شهری می‌باشد که به زنانه شدن فضای شهری کمک به سزایی کرده است. این فضاها نه تنها نوعی فرصت ساختاری برای حضور گسترده زنان در فضاهای شهری ایران می‌باشند، بلکه با برخورداری از قداست و مشروعیت کافی فرصت تجربه در شهر بودن و جامعه را برای زنان مهیا کرده‌اند [۱]. زنان که در گذشته از اقلیت‌های دانشجویی بودند، امروزه اکثریت جمعیت دانشجویی دانشگاه‌های کشور را به خود اختصاص می‌دهند. در این راستا جذب مردان به خدمت سربازی و بازار کار، میدان را برای حضور آنان در دانشگاه‌ها گسترش داده است. از طرفی، تاسیس دانشگاه‌های مطرح ایران در برهه‌ای از تاریخ شکل گرفت که با حضور حداقلی زنان در آموزش عالی همراه بوده است. به طور مثال طرح دانشگاه تهران در بازه زمانی دهه ۱۳۱۰، زمانی که زنان جایگاهی در آموزش عالی نداشتند، تدوین شده است. حال این سوال مطرح است؛ آیا اکنون که شاهد رشد چشمگیر زنان در دانشگاه‌ها هستیم وقت آن فرا نرسیده که بازنگری در طرح‌های توسعه پردیس‌های دانشگاهی رخ دهد؟ آیا از طریق طراحی می‌توان فضاهای دانشگاهی را از حالت جنسیتی خارج نمود؟

در دهه‌های اخیر با رشد سریع جمعیت دانشجویی اغلب مراکز

پایانی مقاله، نتایج پژوهش در قالب اصول و کیفیت‌های طراحی پردیس‌های دانشگاهی آورده شده است. طی فرآیند کدگذاری، بر اساس شباهت و تفاوت داده‌ها، مضامین اصلی و فرعی تبیین شده است. هشت مضمون کلیدی استخراج شده در این پژوهش، معرف معانی پردیس‌های دانشگاهی در ادراک دختران دانشجو استفاده کننده از فضا می‌باشد که در مقایسه با مفاهیم بدست آمده از ادبیات نظری موجود، بعد غیرکالبدی به ارتقاء حضور پذیری دختران دانشجو در پردیس‌های دانشگاهی افزوده شده است.

۲. مرور ادبیات موضوع

ادبیات مرتبط با پژوهش حاضر، در دو بخش اصلی دسته‌بندی شده‌اند؛ نخست مفاهیم مرتبط با تجربه فضاهای جنسیتی و دوم مفاهیم مرتبط با طراحی پردیس‌های دانشگاهی که هر یک شامل کلیدی‌ترین نظریات درباره مفاهیم اصلی پژوهش و روابط بین این مفاهیم می‌باشند.

۱.۲. تجربه فضای جنسیتی

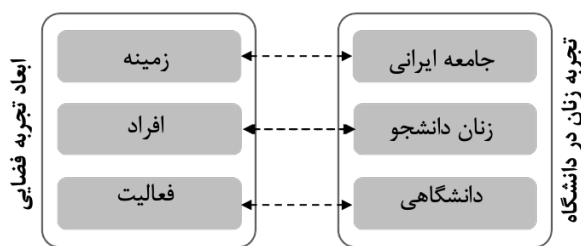
درک تجربیات فضایی زنان دانشجو از طریق تلاقی سه بعد فضا، جنسیت و آموزش در هسته اصلی پژوهش پیش‌رو قرار گرفته است. متناسب با موضوع تحقیق ابتدا مفهوم «تجارب فضایی» و سپس مفاهیم مرتبط با «جنسیت و فضا» واکاوی شده است تا از طریق آن بتوان به تجربه زنانه در فضاهای مدنظر نایل آمد.

به منظور درک درست از چیستی «تجربه فضایی» ابتدا مفهوم «تجربه» به طور عام آن بررسی شده و سپس تعاریف آن از جنبه فضایی در معماری تسری داده شده است. به گفته هوچ [۲] تجربه، عمل زندگی از طریق مشاهده رویدادهاست که به آموزش، دانش و مهارت‌های بعدی اشاره دارد. آنچه با تجربه رابطه تنگاتنگی دارد، مفهوم «رویداد» است. نظریه‌پرداز و معمار معروف، برنارد چومی، در مورد معماری و تجربیات فضایی معتقد است؛ معماری بدون رویداد وجود ندارد [۳]. چومی، با اقتباس از دیدگاه تجربه فضایی آیزنشتاین که مؤلفه‌های فضا، رویداد و فعالیت را در ایجاد تجربه فضایی موثر می‌دانست، توضیح می‌دهد تجربه فضایی صرفاً در مورد فضا، فرم و عملکرد نیست، بلکه در مورد رویداد و فعالیت نیز می‌باشد. دیوید لدربارو [۴] نیز معتقد است وقتی کیفیت غیرمنتظره یک تجربه را تصدیق می‌کنیم، آن را یک رویداد می‌نامیم. به گفته او؛ ما به چنین تجربه‌ای نام رویداد را دقیقاً به دلیل ویژگی پیش‌بینی نشده اتفاقی آن نسبت می‌دهیم. بنابراین، می‌توان رویداد را در آثار چومی برابر با تجربه‌ای با کیفیت غیرمنتظره لدربارو دانست. کیفیت غیرمنتظره یک تجربه ارتباط نزدیکی با سه جزء اساسی افراد، زمینه و فعالیت دارد [۵]. بر اساس بحث‌های

دانشگاهی تنها به توسعه کمی محیط‌های آموزشی توجه داشته و از کیفیت‌های فضایی آن غافل بوده‌اند. این در حالی است که کیفیت محیط پردیس‌های دانشگاهی تاثیر مهمی بر کیفیت آموزشی دانشجویان دارد. با این وجود، طراحی این فضاها در ایران، اغلب براساس طرح‌های از پیش تعیین شده و بدون در نظر گرفتن نیازها و رفتارهای فضایی دانشجویان، بالاخص دانشجویان دختر که جمعیت حداکثری را به خود اختصاص می‌دهند، صورت گرفته است که می‌تواند منجر به تجربه نامطلوب و در نهایت رانده شدن از محیط‌های دانشگاهی شود. همچنین در کلانشهرها که با مشکل کمبود و قیمت بالای زمین و افزایش متقاضیان آموزش عالی مواجه هستیم، نادیده گرفتن کیفیت فضایی دانشگاه بیشتر به چشم می‌خورد تا آنجا که ساختمان‌هایی با کاربری غیر آموزشی بدون هیچ گونه دخل و تصرفی در کالبد به ساختمان‌های آموزشی تغییر کاربری می‌دهند. با توجه به آنکه تحصیل کردن بخشی از زندگی روزمره دختران دانشجو را به خود اختصاص می‌دهد و موجب تقویت اعتماد به نفس، کسب منزلت اجتماعی، دستیابی به شغل و گسترش دامنه روابط اجتماعی آنان شده، ضروریست طراحان محیط‌های دانشگاهی با ترجیحات محیطی زنان آشنا بوده و با توجه به نیازهای فضایی، محدودیت‌ها و قابلیت‌های آنان دست به طراحی بزنند، آنچه که تا به امروز از نگاه محققان ایرانی به فراموشی سپرده شده است.

هدف پژوهش حاضر، تبیین اصول و کیفیت‌های فضایی پردیس‌های دانشگاهی بر اساس ترجیحات محیطی دختران دانشجو می‌باشد. این پژوهش به دنبال پاسخ به یک سوال اصلی می‌باشد: چگونه می‌توان حضور دختران در پردیس‌های دانشگاهی را به کمک طراحی شهری ارتقاء بخشید؟ همچنین دو پرسش فرعی هدایتگر پژوهش حاضر بوده‌اند: ۱. معانی پردیس‌های دانشگاهی در تجربه زیسته دختران دانشجو چیست؟ ۲. این معانی بیانگر چه کیفیت‌های فضایی هستند؟ در این راستا دو پردیس دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی به منظور درک تجربه دختران دانشجو انتخاب شده است تا در نهایت بتوان از میان روایت‌های تجربه زیسته گروه منتخب فضاهای دانشگاهی را برای حضور زنان مناسب سازی نمود.

در بخش مرور ادبیات نظری، چکیده‌ای از مفاهیم، نظریه‌ها و رویکردهای کلیدی مرتبط با پژوهش که هدایتگر محققان در روند پژوهش باشد بیان شده است. در پژوهش حاضر بر روش پژوهش کیفی تحلیل محتوا تکیه شده است؛ در این روش پژوهشگر به دنبال درک معانی محیط و مضمون‌هایی است که از طریق تفسیر روایی شرکت‌کنندگان از تجربه زیسته خود بیان می‌کنند. در بخش



شکل ۱: تطبیق مولفه های تجربه فضایی چومی، لدربارو و اندرسون با ابعاد مرتبط با پژوهش پیش رو (ماخذ: نگارندگان)

فرهنگی بین زنان و مردان تعریف نمود [۱۰] زیرا از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت بوده و بر اساس آن نقش های روشنی برای زنان و مردان در جامعه وضع می گردد [۱۱].

یکی از مهمترین مفاهیمی که از تلفیق فضا و جنسیت شکل می گیرد، مفهوم «فضای جنسیت دار» است. توجه به مسئله زنان در شهر برای نخستین بار در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی، توسط برنامه ریزان و جغرافی دانان فمینیستی مطرح گردید. همچنین در دهه ۹۰ میلادی با به کار بردن مفهوم فضای جنسیت دار توسط آنان برای اولین بار نگرشی جدید و انتقادی در زمینه علم جغرافیا به وجود آمد که دغدغه آن نحوه حضور جنسیتی در فضاهای شهری بوده است. ریشه شکل گیری حوزه های مجزا، دو گانه و تقابلی که شهر را از خانه، عمومی را از خصوصی، مرد را از زن و تولید را از بازتولید جدا می کند؛ مردسالاری و سرمایه داری بوده است. همان طور که کاتبرت معتقد است؛ کل ساختار شهر براساس سرمایه داری مردسالارانه شکل گرفته و الگوی منطقه بندی کاربری اراضی، فضای باز عمومی، شبکه های حمل و نقل، روابط میان کار و خانه از نیازها و ارزش های مردسالارانه نشأت گرفته است [۱۲]. بر این اساس قلمرو عمومی (شهر)؛ مردانه، مسلط، تولید و قلمرو خصوصی (خانه)؛ زنانه، تابع، بازتولید می باشد. در حالی که فضا به خودی خود جنسیت ندارد [۱۳] و به واسطه جریان های مسلط الگوها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و روابط قدرت حاکم، بار معنایی خاصی به خود گرفته و ماهیت جنسیتی می یابد [۷]. از این رو فضای شهری با تسلط یک جنس، به عنوان یک فضای شهری جنسیتی شناخته می شود. جنسیت دار شدن فضاهای شهری را می توان در نحوه عملکرد فضاها در راستای محدود کردن فعالیت و تحرک زنان با القای الگوهای رفتاری خاص و ایجاد حس ناامنی برای آنان مشاهده کرد [۱۴]. جنسیتی شدن فضا زمانی به عنوان مسئله مطرح می شود که فضا

اندرسون، هرچه پیوند بین افراد، زمینه و فعالیتی که می توان ایجاد کرد قوی تر باشد، به طور غیرمنتظره ای کیفیت تجربه بالاتری را می توان ایجاد کرد. مقایسه بحث های اندرسون و چومی و لدربارو در مورد تجربیات فضایی، مفهوم رویداد و رابطه آن با کیفیت غیرمنتظره تجربه، بیانگر ارجاعات مشابه در آثار آنها می باشد. مؤلفه های اساسی در کار اندرسون را می توان با مؤلفه های تجربه فضایی چومی مطابقت داد. هر دو به فعالیت به عنوان یک جزء ضروری اشاره می کنند. به طور مشابه، چومی فضا را به عنوان محیطی در نظر می گیرد که در آن فعالیت انجام می شود و اندرسون زمینه را نه تنها به عنوان محیطی که فعالیت انجام می شود، بلکه به عنوان شرایطی که زمینه یک رویداد را شکل می دهد در نظر می گیرد. بنابراین، زمینه در بحث اندرسون شامل فضای بحث چومی در یک دیدگاه گسترده تر است. هر نویسنده به روشی متفاوت به مؤلفه سوم پرداخته است. چومی رویداد را سومین مؤلفه چارچوب خود می داند که به تصدیق کیفیت غیرمنتظره یک تجربه توسط مخاطبان اشاره دارد. اندرسون افراد را جزء سوم چارچوب خود می داند و معتقد است بدون افراد هیچ کیفیت غیرمنتظره ای از یک تجربه یا رویداد وجود نخواهد داشت.

با توجه به بررسی های صورت گرفته توسط چومی، لدربارو و اندرسون سه بعد افراد، زمینه و فعالیت به عنوان اجزای ضروری ارتقاء کیفیت تجارب فضایی در محیط ساخته شده در نظر گرفته شده است. بنابراین یک «تجربه فضایی» به عنوان تجربه ای مربوط به فضا تعریف می شود که افراد را در یک فعالیت خاص، در یک زمینه درگیر کند [۶]. با تسری ابعاد سه گانه تجربه فضایی در پژوهش پیش رو می توان زمینه را در عوامل فرهنگی و قدرت حاکم جامعه ایران؛ افراد را متناظر با جامعه زنان دانشجوی و فعالیت را در فعالیت های وابسته به محیط دانشگاهی (آموزشی و غیرآموزشی) معرفی نمود تا در نهایت از تلفیق این سه لایه تجارب فضایی بتوان به تجربه زنان در پردیس های دانشگاهی نایل آمد. در تبیین مفهوم جنسیت و فضا ابتدا ضروریست به تمایز مفاهیم «جنس» و «جنسیت» پرداخته شود. مفهوم «جنس» به تفاوت بیولوژیکی و آناتومیکی بدن زن و مرد اشاره دارد که غالباً تفاوت هایی طبیعی و حاصل قابلیت های مختلف دو جنس در احساس، ادراک و شناخت محیط می باشد [۷، ۸]. در حالی که «جنسیت» مقوله ای اجتماعی و هم ساخته متاثر از فرهنگ و هنجارهای حاکم بر جامعه می باشد و با واژه «جنس» که عموماً برای بیان همان مقوله فقط از دیدگاه زیست شناختی به کار می رود تفاوت دارد [۹]. از این رو می توان جنسیت را تفاوت های اکتسابی

برای یک جنس خاص (مرد-زن) مناسب تلقی شده و موجب محدودیت حضورپذیری، به حاشیه راندن و در نهایت منجر به ترک فضا جنس دیگر شود. در حالی که امکان استفاده مطلوب و آزاد از فضاهای شهری از حقوق اولیه شهروندی محسوب می‌گردد. در این راستا باندی و دیویدسون دو دسته بندی کلی از نحوه تعامل جنسیت و فضا ارائه کرده اند. دسته اول که ریشه در نظریات دورین مسی دارد به دنبال چگونگی شکل‌گیری و تداوم نابرابری‌ها از طریق مفاهیم مکان، فضا و جنسیت می‌باشد [۱۵]. این دیدگاه به دنبال پیدا کردن پاسخ برای این پرسش است که چگونه زن بودن به طور سنتی و تحت تأثیر هژمونی مردانه در فضا مورد غفلت قرار گرفته یا به شکلی نامناسب نمایش داده می‌شود [۱۶]. دیدگاه دوم که بر اساس نقد دیدگاه اول مطرح شده است؛ ریشه در نظریه «فضاهای متناقض» جیلیان رز دارد. او به گشایش‌هایی که زنان در بستر هژمونی مردانه برای خود ایجاد می‌کنند توجه دارد [۱۷]. رز در توضیح فضاهای متناقض، به تضادها و امکانات هر چند محدودی که زنان در تجربه زندگی روزمره با آنها برخورد کرده اشاره می‌کند [۱۸]. پژوهش پیش رو به دنبال نمود این محدودیت‌ها، فضاهای کنترل‌گر و گشایش‌های ایجاد شده در تجربه زنان از پردیس‌های دانشگاهی می‌باشد.

۲.۲ مفاهیم مرتبط با طراحی پردیس‌های دانشگاهی

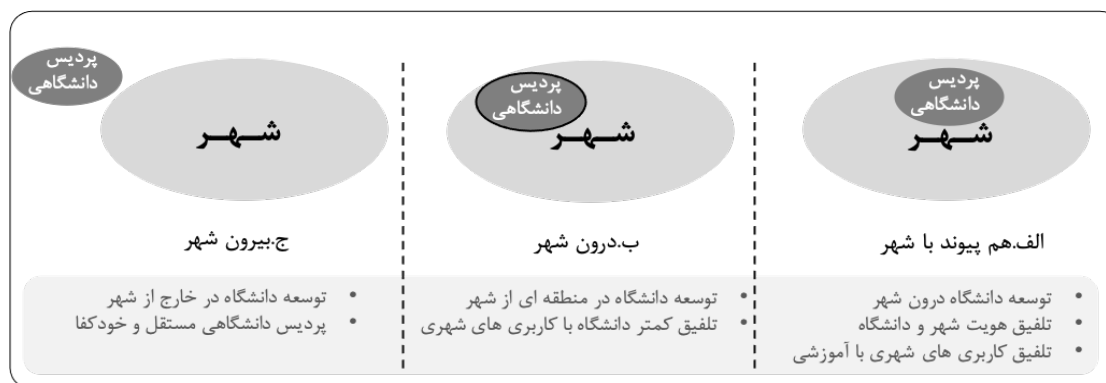
«پردیس‌های دانشگاهی» یکی از فضاهای مدرن شهری محسوب می‌شوند که نقش به سزایی در زبانه کردن محیط‌های شهری بر عهده دارند. این فضاها مجموعه‌ای از ساختمان‌های دانشکده‌ای، خدماتی، رفاهی، تحقیقاتی، اداری و مسیرهای ارتباطی بین آن‌ها می‌باشند که توسط لبه نرم یا سخت از محیط پیرامونی مجزا شده است. امروزه علاوه بر فعالیت‌های آموزشی؛ انتظارات پرورشی، فرهنگی، ورزشی، فراغتی، تحقیقاتی در قالب برگزاری رویدادهای فرهنگی، همایش‌ها، نمایشگاه‌ها، مسابقات علمی و غیر علمی محیط دانشگاهی را از حالت تک بعدی آموزشی خارج کرده و با توجه به مشروعیتی که دارند می‌توانند موجب رشد و پرورش زنان برای آمادگی به بازار کار و جامعه شوند. از این رو با توجه به طیف فعالیت‌های گسترده محیط‌های دانشگاهی، طراحان و برنامه‌ریزان این فضاها می‌بایست از اصول طراحی این فضاها بر اساس ترجیحات محیطی زنان، به عنوان نیمی از استفاده‌کنندگان فضاهای مذکور، آگاهی کافی داشته باشند.

مارتین پیرسه، پردیس‌های دانشگاهی در اروپا را از نظر نحوه توسعه یافتگی به چهار دوره طبقه‌بندی کرده است: ۱- دانشگاه‌های

درون شهری با تلفیق زیاد؛ توسعه یافته درون شهر به گونه‌ای که در بسیاری از آن‌ها هویت شهر و دانشگاه در هم تلفیق شده و کاربری‌های شهری مانند کافی شاپ‌ها و بانک‌ها نیز در دل کاربری‌های آموزشی توسعه یافته است. ۲- دانشگاه‌های درون شهری با تلفیق کمتر؛ به اجر قرمزها شهرت دارند؛ رشدی تدریجی همانند گروه اول داشته که معمولاً در منطقه‌ای از شهر ایجاد شده و تفاوت آنها با نوع اول در تلفیق کمتر با کاربری‌های شهری می‌باشد. ۳- دانشگاه‌های بیرون شهری مستقل؛ که شکل‌گیری آن‌ها به دلیل نیاز مبرم به رشد مراکز دانشگاهی بوده است، در خارج از شهر، در شهرک‌ها یا پردیس‌های دانشگاهی مستقل از سایر کاربری‌های شهری شکل گرفته است. ۴- دانشگاه‌های بیرون شهری جهان شمول؛ مرتبط با دانشگاه‌هایی نوپا با ویژگی‌های جهان شمول و عمدتاً دارای تحصیلات تکمیلی می‌باشد. فاقد فضا جهت رشد و توسعه در داخل بافت شهری بوده، از این رو ناگزیر در خارج از شهر توسعه یافته و تمامی نیازهای کاربران دانشگاه را جهت زندگی و تحصیل در خود دارا می‌باشد [۱۹]. همچنین دن هیجر [۲۰، ۲۱، ۲۲] سه پیکربندی فضایی هم پیوند، درون و بیرون برای نحوه ارتباط پردیس‌های دانشگاهی با شهر، مطرح کرده است. بر این اساس در مجموع ۳ حالت درون-هم پیوند، درون-تلفیق کم و بیرون برای ارتباط پردیس دانشگاهی با شهر می‌توان متصور شد.

نحوه طراحی پردیس‌های دانشگاهی بر یادگیری دانشجویان، تعداد فارغ التحصیلان، مدت ماندگاری دانشجو در دانشگاه؛ و از این طریق بر عزت نفس و آینده شغلی دانشجویان، اقتصاد و شهرت پردیس دانشگاهی تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل امروزه به عنوان یک معیار مهم کیفی برای جامعه دانشگاهی و موسسات آموزش عالی محسوب می‌شود.

به اعتقاد استرنج و بنینگ ویژگی‌های محیط فیزیکی پردیس مانند چیدمان، امکانات، مکانیابی و ترتیب فضاها، وقوع برخی رفتارها را بسیار محتمل‌تر می‌کنند [۲۳]. به عنوان مثال، چیدمان رو در رو و تعاملی نیمکت‌ها و یا طراحی کارآمد لبه حوض، پنجره و سکوها می‌تواند موجب تقویت تعاملات اجتماعی و مکث‌های طولانی مدت دانشجویان در محوطه پردیس شود. از این رو رفتار افراد در محیط متأثر از قابلیت‌های محیطی می‌باشد. مفهوم قابلیت محیط که برای نخستین بار توسط گیسون مطرح شد اشاره به ویژگی‌های بالقوه‌ای دارد که محیط با پیکربندی و مصالح سازنده خود پیشنهاد می‌کند. در واقع قابلیت‌های محیط ساخته شده،



شکل ۲: سه پیکربندی فضایی متفاوت از ارتباط کالبد فیزیکی پردیس های دانشگاهی با شهر (ماخذ: نگارندگان، برگرفته از دن هیجر [۲۰، ۲۱، ۲۲])

معماری برای ارتقاء مکان سازی، یکپارچه سازی فناوری، رابطه فیزیکی موثر با همسایگی و داشتن معنا و زیبایی، پیروی کند. ابوغره کیفیت های پردیس خوب طراحی شده را در گرو عوامل کالبدی و محیط طبیعی، عوامل عملکردی و رفتاری، و عوامل بصری و زیباشناختی دانسته است که تقویت هر کدام می تواند منجر به افزایش ارتقاء زندگی جمعی در فضای باز پردیس های دانشگاهی شود [۲۹]. فرانکلین به طراحی دانشگاه از نظر زیباشناسی اشاره می کند. او معتقد است چنین فضاهایی بایستی واجد ویژگی های مکانی نظیر لبه تعریف شده، محصوریت، مرکزیت، نشانه، مناظری ارزشمند، عناصر هویت بخش و نشانه هایی جهت ارتقاء تداعی تاریخی و موقعیتی به عنوان یک مرکز تحصیلات عالی باشد [۳۰]. گریفیث نیز به اهمیت منظر پردیس تاکید می کند و معتقد است کیفیت منظر این محیط ها بر شکل گیری هویت مکان و احساس تعلق اجتماعی نقش به سزایی دارد. از دید او مؤسسات آموزش عالی که فضاهای باز پردیس را به درستی طراحی و حفظ می کنند، از مزایای بی شماری بهره مند می شوند. فضاهای باز رسمی با منظره سازی جذاب یا زیستگاه هایی که به شکل طبیعی خود باقی مانده اند، موجب ایجاد هویت، تحریک احساس تعلق مکان فارغ التحصیلان و مهار تراکم رو به افزایش دانشگاه می شود. او به اهمیت فضای باز پردیس اشاره می کند و معتقد است فضای باز علاوه بر گردش فضایی، فرصتی برای اجتماعی شدن دانشجویان مهیا می کند [۳۱]. برنامه ریزی و طراحی کلی سایت و بناهای دانشگاه نیز از اهمیت زیادی برخوردار است و شامل حفظ تعادل بین ساختمان ها و فضای بیرونی اطراف آنها می شود. به گفته گینز، یک پردیس خوب شامل گروهی از ساختمان های هماهنگ و به هم مرتبط بوده که فضاهای شهری متناسب و متنوع حاوی مبلمان مناسب را ایجاد می کند [۳۲]. تاثیر

انتخاب های رفتاری و زیباشناختی فرد را بسته به چگونگی پیکربندی محیط محدود می کند یا گسترش می دهد [۲۴]. نظریه پردازان و مؤسسات تحقیقاتی مطرح با مطالعه بر روی پردیس های دانشگاهی، کیفیت های فضایی مرتبط با آن را معرفی نموده اند (جدول ۱). یکی از افراد صاحب نظر در زمینه طراحی و برنامه ریزی پردیس های دانشگاهی، ریچارد دویر می باشد. او بر ضرورت طرح های جامع پردیس تاکید داشته [۲۵] و چارچوبی ساده و موثر جهت درک و ارزیابی برنامه ریزی و طراحی پردیس های مذکور ارائه نموده است. مکان سازی و برجسته کردن مکان دو مفهومی است که او بر آن ها تاکید دارد که علی رغم شباهت معنایی، هر یک به جنبه های جداگانه ای از طراحی اشاره دارند. تصور دویر از مکان سازی؛ ساختار و زیرساخت های پیکربندی پردیس مانند فضای باز، مسیرهای پیاده و سواره، پارکینگ ها و مکانیابی ساختمان ها می باشد. از دیگر سو ویژگی های منحصر به فرد برجسته کردن مکان را با توجه به چهار عنصر محوطه سازی یا مناظر طبیعی، مواد و مصالح ساختمانی، سبک و نشانه ها امکان پذیر دانسته که منجر به تمایز مکان با سایر مکان های مشابه و در نهایت منجر به ایجاد حس مکان می شود [۲۶]. همچنین در تحقیق مروری ۵۰ طرح جامع پردیس دانشگاهی آمریکایی که توسط حاج رسولی ها صورت گرفته است، ۷ بعد فرم کالبدی شامل اختلاط کاربری، فشردگی، اتصالات، پیکربندی، زندگی در پردیس، سبز بودن و زمینه به عنوان کیفیت های فضایی «پردیس خوب طراحی شده» معرفی شده است [۲۷]. به گفته کنی و همکاران [۲۸]، نیز یک طرح جامع پردیس باید از ۹ اصل شامل اولویت دادن به طرح کلی بر ساختمان ها و فضاهای مجزا، استفاده از فشردگی و اختلاط جهت ایجاد سرزندگی و تعامل، منظر سازی، پذیرش ملاحظات زیست محیطی، آرام سازی خودرو، استفاده از

جدول ۱: کیفیت‌ها و معیارهای مطلوب طراحی پردیس‌های دانشگاهی از دید نظریه پردازان (ماخذ: نگارندگان)

نظریه پرداز	معیار اصلی	معیار فرعی	شاخص‌ها
دوبر (۱۹۹۲)	مکان سازی	ساختار و پیکربندی فضایی	فضای باز/ مسیرهای پیاده و سواره/ پارکینگ‌ها/ مکانیابی ساختمان‌ها/ ورودی‌ها/ مرزها/ فضاهای باز تشریفاتی/ فضاهای باز تفریحی فعال و غیر فعال/ زیباسازی (آثار هنری، مجسمه، فواره، کاشتن، عناصر تشریفاتی، نمادین، بافتی، لمسی یا رنگی)/ عملکردی (ایمنی و دسترسی پیاده، سلسله مراتب مسیرها، مشارکت پذیری در تقاطع مسیرها، سنگ فرش، نورپردازی، علائم و تابلوها، میلمان فضای باز، کیوسک اطلاعات، سطل زباله، نرده، نیمکت)/ اقلیمی (مصلح یوم سازگار، تهویه هوا، محافظت در برابر باد، گرد و غبار، گرما و آفتاب)
	برجسته کردن مکان	مواد و مصالح	مصلح نمای بیرونی و داخلی ساختمان‌های پردیس
		سبک	معماری فضاها/ طراحی پردیس
		نشانه	بناهای شاخص
	گرفیفت	تلفیق فضای باز و بسته	حفظ تعادل بین ساختمان‌ها و فضای بیرونی اطراف آن‌ها
گینز (۱۹۹۴)	هویت	حس مکان	مناظر طبیعی/ نشانه بصری/ فضای باز
	گینز	ارتباط	هماهنگی و اتصال ساختمان‌ها به یکدیگر/ سبک هماهنگ
	ساختار فضایی	محوطه سازی	میلمان مناسب (نیمکت‌ها/ استخرها/ فواره‌ها/ آلاچیق‌ها)/ راه‌ها
حاج رسولی‌ها (۲۰۱۷)	کاربری اراضی	ترکیب آموزش و سایر امکانات	ادغام فعالیت‌های دانشگاهی و تحقیقاتی در امکانات مشترک/ انتقال کاربری‌های با شدت کم از هسته دانشگاه
	فشرده‌گی	تراکم و نزدیکی فضاها	قرار دادن عملکردهای دانشگاه در مرکز دانشگاه تا حد امکان/ محدود کردن گسترش/ توسعه درون‌زا
	اتصال	اتصال دانشگاه و اطراف	مسیرهای پیاده واضح و کوتاه و راهروهای خطی سبز/ اتصال به شبکه خیابانی/ ورودی مضاعف به پردیس
	پیکربندی	پردیس به عنوان یک واحد کل منسجم	احداث ساختمان‌های جدید در امتداد ساختار فضایی اصلی پردیس/ استقرار عناصر برجسته در انتهای آکس مسیرهای مهم/ ایجاد سلسله مراتب فضاهای باز، از رسمی تا غیر رسمی
	زندگی در پردیس	درجه زندگی در دانشگاه	امکانات دانشگاهی چند رشته‌ای در پردیس/ افزایش سکونت و تنوع گزینه‌های مسکن در محوطه دانشگاه
کنی و همکاران (۲۰۰۵)	سبزی	درجه طبیعی بودن	محوطه سازی برای ایجاد فضاهای باز سرزنده/ پوشش پارکینگ‌ها با درختان/ پوشش گیاهی بومی
	زمینه	ادغام یا محله‌های اطراف	استقرار در محیط شهری/ پردیس مقصدی برای عموم/ تشویق توسعه و سرمایه‌گذاری خصوصی
	ساختار فضایی	کل نگری	اولویت دادن به طرح کلی بر ساختمان‌ها و فضاهای مجزا/ کل نگری
	سرزندگی	اختلاط	فشرده‌گی و اختلاط کاربری
	دید و منظر	منظر سازی	ایجاد ارتباط بین داخل و خارج پردیس توسط عناصر منظر
ابوغزه (۱۹۹۹)	پیاده‌مداری	اولویت پیاده	آرام سازی خودرو
	پایداری	محیط زیست پایدار	پذیرش ملاحظات زیست محیطی
	معماری	طرح معماری	استفاده از معماری برای ارتقاء مکان سازی
	تکنولوژی	تکنولوژی	یکپارچه سازی فناوری
	ارتباط با اطراف	ارتباط با اطراف	رابطه فیزیکی موثر با همسایگی
موسسه RTF	هویت	حس مکان	داشتن معنا و زیبایی
	محیط زیستی	ویژگیهای طبیعی محیط	وجود پوشش گیاهی و جانوری، رود یا دریاچه، کوه
	عملکردی و رفتاری	تعامل انسان و محیط کالبدی	راحتی فضای نشستن/ تسهیلات در دسترس/ درجه تعامل فضا با ساختمان‌ها و یا فضاهای مجاور آن
	بصری	عوامل زیبایی	ترجیحات بصری بر پایه احساسات بصری
موسسه PPS	استراتژی برنامه ریزی شهری برای پردیس	طراحی در مقیاس قلمرو عمومی شهری	هماهنگی سرمایه‌گذاری‌های مالی با برنامه ریزی پردیس/ طراحی محوری فضاهای اصلی/ دوستدار پیاده/
	خوابایی و هویت	جهت یابی	ایجاد نقطه عطف/ تمرکز و تسلط بصری/ ایجاد مراکز اجتماعی و فرهنگی/ مجسمه و نشانه
	تعامل اجتماعی	تنوع مقیاس فضاها	استفاده از مقیاس فضایی بزرگ و کوچک/ همبستگی بین فضاها/ ادغام امکانات اصلی اجتماعی و فرهنگی مانند آزمایشگاه‌های تحقیقاتی، سالن سخنرانی و استادیو‌ها/
	تکنولوژی	تکنولوژی پیشرفته	تشویق به یادگیری با استفاده از تکنولوژی و نوآوری عصر جدید/ استفاده از نور طبیعی
	ارتباط با صنعت	کارآفرینی برای دانشجویان	ارتباط دانشگاه به صنعت/ ارتقاء محیط یادگیری انعطاف پذیر از طریق طراحی/ بخش‌های دانش بنیان
موسسه RPP	زندگی در دانشگاه	امکانات اقامتی	فراهم کردن امکانات فراغتی و رفاهی دانشجویان در شبانه روز/ تسهیلات مسکونی
	تنوع زیستی	فضاهای سبز	توجه به چشم انداز محوطه دانشگاه/ منظره سبز و آرامش بخش/ دید پانوراما به فضای سبز
	همه شمولی	فضایی برای همه	طراحی فراگیر/ عدم محدودیت فضایی/ توجه به نیازهای معلولین
	توجه به سلامت	توجه به ورزش و سلامت دانشجو	برنامه‌ریزی زمین‌های ورزشی، سالن بدنسازی و اسباب‌چوان‌کننده/ مراکز بهداشتی درمانی در دسترس همه
	پایداری	توجه به محیط زیست	بهره‌وری از منابع طبیعی/ ایجاد ساختمان‌های سبز
موسسه PPS	بهبود دسترسی		پیاده‌مداری/ ایمنی پیاده و دوچرخه/ سازگاری با حمل و نقل عمومی/ کاهش نیاز به اتومبیل و پارکینگ/ استفاده کارآمد از پول و زمان/ ارتقاء ارتباطات بین استفاده کنندگان
	ارتقاء حس راحتی		مناظر لذت بخش/ حس تعلق/ ارتقاء امنیت/ کیفیت محیطی بهتر/ احساس آزادی
	پرورش و تعریف		ارتقاء سازمان دهی جامعه/ حس غرور و داوطلب بودن/ تداوم هم پیوندی و ارزش‌ها/ نیاز اندک به کنترل
	حس در اجتماع بودن		شهرداری/ خود مدیریتی
	حمایت از اقتصاد محلی		کارآفرینی خرد مقیاس/ توسعه اقتصادی/ ارتقاء ارزش املاک/ مالکیت محلی، ارزش محلی/ شغل‌های مطلوب بیشتر/ درآمد مالیات بیشتر/ نیاز کمتر به خدمات شهرداری
موسسه PPS	تعاملات اجتماعی		ارتقاء روابط اجتماعی/ ارتقاء فرهنگ تعاملی/ ایجاد تنوع جمعیتی/ ارتقاء زن، سالخورده و کودکان/ تکرر قومی و فرهنگی/ تشویق به خلایق جمعی
	ارتقاء سلامت		افزایش فعالیت بدنی/ دسترسی به غذای تازه/ امنیت بالاتر/ اختلاط اجتماعی بیشتر/ ارتقاء سلامت محیطی

و ترس آن‌ها ریشه در خشونت مردان علیه زنان در جامعه آمریکای شمالی دارد [۳۷].

کیفیت‌های عام مطرح شده از سوی نظریه پردازان مطرح در زمینه پردیس‌های دانشگاهی می‌تواند به عنوان یک عینک نظری راه‌گشای پژوهش پیش‌رو در راستای دستیابی به کیفیت‌های خاص محیط‌های مدنظر، به عنوان ترجیحات محیطی زنان، باشد. از این رو کیفیت‌هایی که از سوی نظری پردازان بیشتری اشاره را داشته در یک جدول آورده شده است (جدول ۲).

جدول ۲: جمع بندی کیفیت‌های مطلوب طراحی پردیس‌های دانشگاهی از دید نظریه‌پردازان (ماخذ: نگارندگان)

معیارهای اصلی	زیر معیارها
منظر و محوطه آرای سبز	استفاده از پوشش گیاهی بومی، هنرهای همگانی
مبلمان و آسایش اقلیمی	حفاظت در برابر باران، باد و آفتاب
ساختار و خوانایی	تسلسل نشانه‌ها و سلسله مراتب فضایی
فشرده‌گی	توسعه درون‌زا و اختلاط آموزش با سکونت و سایر امکانات
هم پیوندی و مشارکت	سهولت دسترسی پیاده و اتصال با محله اطراف
معماری با هویت	استفاده از سبک و طراحی اصیل مطابق با زمینه و بستر

۳. روش تحقیق

مطالعه حاضر بر اساس روش کیفی انجام شده است. جهت تحلیل مصاحبه‌ها از روش کیفی تحلیل محتوا که بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های داده‌های متنی می‌باشد، استفاده شده است [۳۸]. دو جهت‌گیری مختلف استقرایی و قیاسی در روش تحلیل محتوا مطرح است. در جهت‌گیری نخست که داده/ متن- مبنا است، محقق با مقایسه داده‌های متنی در پی کشف مفاهیم و مقولات می‌باشد. اما در جهت‌گیری دوم که مفهوم- مبنا است، محقق در داده‌ها به دنبال مفاهیمی که از مباحث نظری استخراج شده می‌باشد [۳۹]. با توجه به اینکه پژوهش حاضر به دنبال درک معانی دختران دانشجو از خلال روایت‌های آنان می‌باشد از روش اول بهره گرفته شده است. مطالعه پیش‌رو در دو پردیس دانشگاهی «تهران» و «شهید بهشتی» واقع در استان تهران انجام شده است (شکل ۳). دانشگاه‌های انتخابی پنج مشخصه مشترک داشتند: الف- هر دو به منظور پردیس دانشگاهی طراحی شده‌اند؛ ب- نرخ ورودی دختران در هر دو بالا می‌باشد؛ ج- هر دو در زمینه طبیعی و زیست محیطی خاصی قرار گرفته‌اند؛ د- هر دو دانشگاه تنوعی از رشته‌های درسی را در مقاطع تحصیلی مختلف درون پردیس مرکزی خود جای داده‌اند؛ ه- پردیس‌های دانشگاهی منتخب هر دو جزء قدیمی‌ترین و نام‌آورترین دانشگاه‌های کشور هستند که می‌توانند منعکس‌کننده سایر

طراحی محوطه دانشگاه را می‌توان با بررسی محوطه دانشگاه از دیدگاه یک عابر پیاده نیز درک کرد. یک پردیس خوب طراحی شده نه تنها یک پیاده‌روی ایمن، راحت و لذت‌بخش را برای عابران پیاده فراهم می‌کند، بلکه حس تعلق، حس مکان و یادگیری را به تجربه پیاده روی فرد اضافه می‌کند [۳۳]. در این زمینه موسسه آر تی اف (RTF) ده راهکار جهت طراحی کارآمد و هوشمندانه پردیس‌های دانشگاهی مطرح کرده است: اتخاذ استراتژی‌های برنامه‌ریزی شهری، جهت‌یابی و هویت، تنوع فضایی و تعامل اجتماعی، بهره‌گیری از تکنولوژی، تشویق کارآفرینی دانشجویان، تجربه زندگی در دانشگاه، تنوع زیستی، فضایی برای همه، تمرکز بر ورزش و سلامت دانشجویان و استفاده از پایداری به عنوان ابزار آموزشی [۳۳]. موسسه پی پی اس (PPS) نیز شش کیفیت بهبود دسترسی، ارتقاء حس راحتی، حس در اجتماع بودن، حمایت از اقتصاد محلی، تعاملات اجتماعی و ارتقاء سلامت را به عنوان مزایای پردیس‌های خوب طراحی شده مطرح کرده است [۳۴]. همچنین تحقیقی با تمرکز بر خشونت جنسیتی علیه زنان سیاه و رنگین پوست در پردیس‌های دانشگاهی آمریکا صورت گرفته است که در آن سه رویکرد تغییر هنجارهای اجتماعی، ارتقای مسئولیت‌پذیری جامعه و عدالت تحول آفرین برای جلوگیری از خشونت جنسیتی علیه زنان در پردیس دانشگاهی مهم دانسته است [۳۵]. تیلور نیز در تحقیقی حس ناامنی ناشی از حمل اسلحه در پردیس‌های دانشگاهی تگزاس را بررسی کرده است. بر اساس نتایج اساتید زن احساس ناامنی و اضطراب بیشتری در محیط دانشگاهی داشته و به همین دلیل توانایی کمتری در انجام کارهای خود نسبت به مردان دارند. آنان به حاشیه رانده شده و بیشتر قربانی قوانین دانشگاهی می‌شوند. از این رو بازبینی در سیاست‌های حمل اسلحه برای محافظت از دانشجویان، کارکنان، اساتید و جلوگیری از خشونت با اسلحه و خودکشی در محوطه دانشگاه را پیشنهاد نموده است [۳۶]. در مطالعه دیگری که پیرامون امنیت زنان در محیط دانشگاهی توسط کولوداسکی و دیگران با بررسی ۱۵۰۰ نفر از مردان و زنان مشغول به کار و تحصیل در محیط دانشگاهی انجام شده است یافته‌ها اشاره به تأثیر متفاوت محیط ساخته‌شده بر الگوهای فعالیتی و تصورات متفاوت زنان و مردان از محیط امن دارد. بر اساس این مطالعه اکثر زنان ترس از حمله و نگرانی برای امنیت شخصی را بیشتر از مردان در محیط دانشگاهی تجربه کرده و بخشی از زندگی روزمره آنها را به خود اختصاص می‌دهد. نگرانی



شکل ۳: موقعیت پردیس‌های دانشگاهی منتخب در شهر تهران (تصویر سمت راست: دانشگاه شهید بهشتی، تصویر سمت چپ: دانشگاه تهران) (ماخذ: نگارندگان)

همچنین انتخاب حداقل دو ترم متوالی به این دلیل بوده است که دانشجویان تجربیات گوناگونی را در طول یکسال با وضعیت و شرایط آب و هوایی مختلف، مراسم‌های مناسبی گوناگون داشته باشد. در مجموع ۴۰ مصاحبه شامل ۲۰ مصاحبه در دانشگاه تهران و ۲۰ مصاحبه در دانشگاه شهید بهشتی مطابق جدول ۳ انجام شد.

در پژوهش پیش‌رو، گردآوری داده‌ها طی سه مرحله متوالی انجام شده است، به گونه‌ای که هر مرحله داده‌های مرحله پیشین را کامل نموده و مبنایی برای مرحله بعد فراهم کند. این سه مرحله شامل الف- پرسش‌نامه نیمه ساختاریافته؛ ب- مصاحبه عمیق؛ ج- یادداشت‌برداری و عکاسی بوده است. مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته علاوه بر این که به شرکت‌کنندگان این امکان را می‌دهد تا تجربیات شخصی حساس را در یک فضای راحت به اشتراک گذارده، به مصاحبه‌کننده اجازه می‌دهد تا قبل از رفتن به موضوع بعدی، خطوط جالب تحقیق را دنبال کنند [۴۰]. دو پرسش باز کلیدی راهنمای پژوهشگران در هدایت مصاحبه‌ها بوده است: «چه چیزهای این دانشگاه/ دانشکده را دوست دارید؟» و «چه چیزهای این دانشگاه/ دانشکده را دوست ندارید؟». در صورتی که مسیر صحبت نیاز به هدایت داشته، محقق با طرح سؤالاتی تکمیلی و نه دادن جهت‌گیری خاص، مصاحبه‌شونده را تشویق به ارائه توضیحات تفصیلی در رابطه با سؤالات نموده است. مصاحبه‌ها توسط شبکه اجتماعی واتساپ؛ که ابزار خوبی جهت ضبط و ثبت صوت مصاحبه‌شونده‌ها و امکان انتخاب زمان مناسب پاسخگویی از سوی آن‌ها می‌باشد، انجام شد. در این راستا محققان با حاضر شدن در دانشگاه‌های منتخب و انتخاب دختران دانشجو مدنظر، شماره تماس آن‌ها را گرفته و طی ارسال یک فایل صوتی دو دقیقه‌ای که حاوی معرفی مختصری از هدف مصاحبه و آنچه به

پردیس‌های دانشگاهی ایران با ماهیت مدنظر باشند. این مهم از این منظر حائز اهمیت می‌باشد که به تعمیم یافته‌ها کمک خواهد کرد. همچنین دانشگاه‌های انتخابی دو مشخصه بارز متفاوت داشتند: الف- قرارگیری در بستر و زمینه متفاوت؛ ب- ارتباط متفاوت با شهر. پس از انتخاب دانشگاه‌ها، به انتخاب دانشکده‌ها پرداخته شد. دو دانشکده ادبیات و علوم انسانی، و علوم پایه که بنا بر آمار مستخرج از مرکز پژوهش و آمار آموزش عالی ایران، به نسبت سایر دانشکده‌ها جمعیت دانشجویی دختر بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند در هر دو دانشگاه انتخاب شدند.

نمونه‌ها به صورت تصادفی بر اساس معیارهای معرفی شده انتخاب گردید. همه شرکت‌کنندگان چهار معیار ورود به مطالعه را داشتند: الف- زنان مشغول به تحصیل در دو دانشکده ادبیات-علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه‌های منتخب بودند؛ ب- طیف سنی ۱۸ تا ۴۵ ساله بودند؛ ج- دانشجو مقطع لیسانس بودند؛ د- تجربه حضور فیزیکی در دانشگاه‌های منتخب را برای حداقل دو ترم متوالی تحصیلی به طور مستمر داشته و با محیط دانشگاه آشنایی کامل داشتند. مبنای انتخاب دانشجویان مقطع لیسانس به دلیل درگیر بودن مدت زمانی بیشتر این گروه با محیط دانشگاهی بر اساس تعداد واحدهای درسی بیشتر آن‌ها نسبت به سایر مقاطع تحصیلی بوده، به گونه‌ای که دانشگاه بخشی از زندگی روزمره آن‌ها می‌باشد.

جدول ۳: تعداد مصاحبه‌های انجام شده در دو دانشگاه تهران و شهید بهشتی بر اساس دانشکده‌های علوم پایه و علوم انسانی (ماخذ: نگارندگان)

	دانشگاه شهید بهشتی	دانشگاه تهران
دانشکده علوم پایه	ارسالی ۲۰ نفر/ دریافتی ۱۰ نفر	ارسالی ۲۰ نفر/ دریافتی ۱۰ نفر
دانشکده علوم انسانی	ارسالی ۲۰ نفر/ دریافتی ۱۰ نفر	ارسالی ۲۰ نفر/ دریافتی ۱۰ نفر

کالبدی، ب-عوامل غیرکالبدی. بدین ترتیب هر دو پردیس دانشگاهی منتخب در هشت مضمون اصلی مشترک هستند؛ «جایگاه شهری»، «طرح چیدمان پردیس دانشگاهی»، «طرح معماری دانشکده»، «مهرانگیزی»، «اهمیت پاتوق‌گرایی در دانشگاه»، «توجه به شاییت و حقوق دختران دانشجو»، «برند دانشگاه» و «جذابیت فعالیت‌ها و رویدادهای دانشگاهی» (نمودار ۱). مضمون اول تا چهارم مرتبط با عوامل کالبدی، و مضمون پنجم تا هشتم اشاره به عوامل غیر کالبدی محیط دارند. هر یک از این مضمون‌های اصلی چندین مضمون فرعی را در بر می‌گیرند که در هر دو مکان مشترک هستند، اما وزن اهمیت و چگونگی آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارد.



نمودار ۱: مضامین استخراج شده از تجارب فضایی دختران دانشجو از پردیس‌های دانشگاهی منتخب (ماخذ: نگارندگان)

– **جایگاه شهری:** مجموعه‌ای از واحد‌های معنایی، اشاره بر زمینه و ارتباط پردیس دانشگاهی با محیط پیرامونی و شهر دارد. سرزنده بودن و حضور امن ۲۴ ساعته در دانشگاه تهران و محله اطراف آن، و نبود این ویژگی در دانشگاه شهید بهشتی اهمیت «ایمنی و امنیت» محیط پیرامونی را در تجربه دختران دانشجو نمایندگی می‌کنند. همچنین تمایل به ارتباط با محلات پیرامون، سازگاری عملکردهای اطراف دانشگاه، اختلاط کاربری، قرارگیری در بستر فرهنگی- آموزشی خیابان انقلاب و وجود مکان‌های جاذب دانشجو مانند کافه، سینما، کتابفروشی در اطراف دانشگاه تهران در مقابل انزوای دانشگاه شهید بهشتی در گوشه‌ای از شمال شهر، بیانگر اهمیت «ارتباط موثر پردیس با اطراف» می‌باشد. مکان‌های تفریحی پیرامون دانشگاه شهید بهشتی میدان تجریش، دربند و درکه می‌باشد که برای رفتن به آنجا فرد نیاز به اتومبیلی

دنبال آن می‌باشد، از مصاحبه شوندگان خواسته شده از طریق ارسال فایل‌های صوتی جداگانه، به هر یک از سوالات پاسخ دهند. مصاحبه‌ها در بازه زمانی ۴ ماهه انجام شد. مدت زمان هر مصاحبه بین ۱۵-۴۰ دقیقه به طول انجامید. سعی گردید به منظور راحتی مشارکت‌کننده و پاسخ تفصیلی به سوالات، رابطه دوستانه توسط محققان با آنان برقرار شود. همچنین به منظور حصول اطمینان از نتایج، مصاحبه‌ها در دو نیمسال اول و دوم تحصیلی که دارای شرایط آب و هوایی و ادراک تجربه فضایی متفاوت می‌باشد، صورت گرفته است.

متن همه مصاحبه‌ها در واتساپ ضبط و کلمه به کلمه بر روی کاغذ پیاده شد. سپس بریده‌هایی از پاسخ‌های توصیفی شرکت‌کنندگان که معنادار بوده با تحلیل خط به خط و پاراگرافی مشخص شدند و یادداشت‌های تحلیلی در راستای کشف مفاهیم و نام‌گذاری آن‌ها تهیه شد. در این مرحله اظهارات مهم در رابطه با معنای پردیس‌های منتخب در قالب مفاهیم، مشخص گردید و سپس با مقایسه کردن، مفاهیمی که بیشترین تکرار را در بین مصاحبه‌ها داشتند بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوایی شان در گروه‌هایی دسته‌بندی شده و برای هر گروه یک نام تحت عنوان مقوله مشخص گردید. لازم به ذکر است هر مقوله مفهوم کلی‌تری با درجه انتزاعی بالاتری است که معرف تک تک مفاهیم آن دسته و دارای معنای مستقل می‌باشد. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به طور همزمان انجام شد تا از این طریق بتوان به صورت رفت و برگشتی گردآوری داده‌ها مداوما مورد بازبینی قرار گیرد. همچنین مصاحبه‌ها و دستیابی به داده‌های مناسب تا مرحله اشباع نظری؛ جایی که دیگر نمونه‌های جدید چیزی به مقولات به دست آمده و روابط کشف شده میان آن‌ها اضافه

نمی‌کرد، پیش رفت [۴۱]. از این رو نمونه‌گیری نیز از نوع نظری انتخاب شد، یعنی تعداد مشارکت‌کنندگان بستگی به آن داشت که نظریه چه وقت قوام یابد و از عهده پیچیدگی موضوع برآید. همچنین جهت کنترل روایی و اعتبار سنجی یافته‌های پژوهش، طی جلسات متعدد بین نویسندگان مقاله حاضر و مصاحبه‌های هدفمند با ۱۰ نفر از دانشجویان مقطع دکتری رشته طراحی شهری دانشگاه تهران و شهید بهشتی (۵ نفر دانشجو دانشگاه تهران، ۵ نفر دانشجو دانشگاه شهید بهشتی) که هم از دانش محیطی برخوردار بوده و هم تجربه حضور در دانشگاه‌های منتخب را داشته‌اند، صحت یافته‌های پژوهش به زعم آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت.

۴. یافته‌ها

با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته، تجربه فضایی دختران دانشجو از پردیس‌های دانشگاهی در دو دسته گنجانده شد: الف-عوامل

توسط دختران بوده است. در توصیف دختران دانشجو، تمایل به نزدیک بودن دانشکده‌ها به ورودی‌های پردیس و فضاهای خدماتی اصلی مانند کتابخانه، سلف مرکزی و آموزش کل، جانمایی ساختمان‌های مهم و خدماتی بین رشته‌ای در مرکز پردیس و نزدیکی ورودی‌های پردیس به ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی در قالب «همجواری‌ها» بارز است. در این راستا دور بودن دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی از ورودی‌های پردیس و بسته بودن تعدادی از درب‌های ورودی دانشگاه تهران که دانشجویان را مجبور به طی کردن مسافتی طولانی می‌کند، توصیفگر اهمیت تعدد و موقعیت ورودی‌های پردیس نسبت به دانشکده‌ها بوده است. تمایل به مسیرهای پیاده کوتاه و هموار در دانشگاه تهران در مقابل شکوه از مسیرهای طولانی، شبیدار و ناهموار دانشگاه شهید بهشتی اهمیت «دسترسی پذیری پردیس» را به عنوان عامل مهم در درک تجربه مشارکت‌کنندگان برجسته کرده است. همچنین جهت‌یابی مناسب پردیس از دیگر معانی مورد اشاره بوده است. بر اساس روایت‌های مطرح شده؛ وجود عناصر نمادین مرتبط با ماهیت هر دانشکده در ورودی آن و انتهای آکس مسیرها، پرهیز از یکنواختی فضاها و راهروهای طولانی مضمون «خوانایی پردیس» در ادراک فضایی مشارکت‌کنندگان را بارز کرده است.

– **طرح معماری دانشکده:** در دانشکده ادبیات هر دو دانشگاه منتخب، وجود حیاط مرکزی در داخل حجم دانشکده سبب ایجاد فضای باز خصوصی شده است که دختران می‌توانند چند دقیقه‌ای به دور از هیاهو با خود و دوستانشان خلوت کنند. همچنین بلند بودن سقف فضاهای داخلی و تامین نور فضاها حس خوبی به مشارکت‌کنندگان می‌دهد که بیانگر اهمیت «رابطه توده و فضا دانشکده» می‌باشد. به دلیل گسترده بودن طیف کارکردی فضاهای دانشکده و از طرف دیگر تمایل دختران به تغییر دادن محیط مطابق با نیازهای نادیده گرفته شده آنان توسط نهاد قدرت و جامعه، «انعطاف‌پذیری» فضاها اهمیت زیادی دارد. همچنین دانشجویان مرزهای کالبدی برای رشته گروه‌های واقع در یک ساختمان قائل هستند. دانشگاه تهران و شهید بهشتی هر دو از ابتدا به منظور کارکرد دانشگاهی طراحی شدند و در طراحی آن‌ها از الگوهای بوم سازگار بهره گرفته شده است که این مهم موجب رضایت مشارکت‌کنندگان و تجربه حس متفاوت از طریق «سبک معماری» فضا شده است. در توصیف دختران دانشجو، تمایل به جذابیت فضای داخلی و خارجی بنا، پنجره‌های بزرگ رو به فضای باز، شفافیت جداره‌ها بیانگر مضمون «دید و منظر» بوده است. همچنین تمایل به وجود فضاهای خدماتی مانند کتابخانه و

دارد که این امکان برای همه وجود ندارد. دسترسی نامناسب و دور بودن دانشگاه شهید بهشتی به ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی در برابر دسترسی مناسب دانشگاه تهران به انواع حمل و نقل همگانی و سهولت دسترسی آن به همه نقاط شهر به دلیل در مرکز شهر بودن و مجاورت با میدان انقلاب، اهمیت «دسترسی شهری» را در تجربه دختران دانشجو بارز نموده است. همچنین دانشگاه شهید بهشتی به دلیل قرارگیری در دامنه رشته کوه‌های البرز، دارای «فرم زمین» ناهموار و شبیدار بوده که این مسئله بر ادراک فضایی دختران از دانشگاه مورد نظر تاثیر نامطلوبی گذاشته است به گونه‌ای که کمتر کسی در تجربه خود از تعدد پله‌ها و ارتفاع زیاد آن‌ها ابراز ناراضی نکرده است. از طرفی این موقعیت جغرافیایی خاص، «کیفیت آب و هوایی» مطلوبی به دانشگاه بخشیده است، که بر خلاف دانشگاه تهران که در مرکز آلودگی و شلوغی شهری قرار گرفته، توانسته موجب رضایت دختران دانشجو شود. از دیگر ویژگی‌های متمایزکننده دانشجویان دختر دانشگاه تهران با دانشگاه شهید بهشتی تجربه حس مسئولیت و استقلال آنان به واسطه «امکان تجربه زندگی در شهر» می‌باشد. دانشگاه رفتن و ادامه تحصیل با مشروعتی که از نگاه جامعه و فرهنگ ایرانی دارد، امکان تجربه فضاهای شهری را برای دختران به ارمغان بخشیده است و راهی برای زنانه شدن فضاهای شهری گشوده است. دانشگاه تهران به دلیل قرارگیری در مرکز شهر امکان تجربه در شهر و جامعه بودن را به دختران داده است. در مقابل، قرارگیری دانشگاه شهید بهشتی در حاشیه شهر موجب خلا تجربه مشابه دانشجویان دختر آن بوده و با تداوم حس‌های تکراری دوران مدرسه «مفهوم وارونگی دانشگاه» را در ادراک مشارکت‌کنندگان پر رنگ نموده است.

– **طرح چیدمان پردیس دانشگاهی:** طرح کلی پردیس بیانگر ساختار فضایی آن می‌باشد که در تجربه دختران دانشجو برجسته شده است. معانی فشردگی و نزدیکی ساختمان‌های پردیس به یکدیگر، تلفیق فضای باز و بسته، جانمایی کانون عملکردی اصلی در مرکز پردیس و چیدمان دانشکده‌ها پیرامون آن، ترجیح به تراکم ارتفاعی کم جملگی اشاره به مقوله «توده‌گذاری پردیس» دارند. اشاره مشارکت‌کنندگان دانشگاه شهید بهشتی به ناراضی از روند بلند مرتبه‌سازی ساخت و سازهای جدید توصیفگر این مهم می‌باشد. همچنین اختصاص فضای باز جمعی برای کل پردیس و هر دانشکده به طور مجزا، ایجاد سلسله مراتبی از فضاهای خدماتی-رفاهی در سطوح مختلف کل پردیس، هر دانشکده و هر گروه رشته به طور مجزا در دو دانشکده منتخب بیانگر اهمیت «سلسله مراتب فضایی پردیس» در ادراک محیط

جدول ۴: کیفیت های فضایی پردیس های دانشگاهی از منظر تجربه دختران دانشجو (ماخذ: نگارندگان)

معیار	زیرمعیار	شاخص
طرح چیدمان پردیس دانشگاه	توده گذاری پردیس	رابطه دانشکده ها با مراکز خدماتی دانشگاه/ رابطه فضای باز و بسته/ تراکم ارتفاعی/ سطح اشغال فضاها/ مساحت پردیس/
	سلسله مراتب فضایی پردیس	تفکیک فضاها/ عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی در دانشگاه و دانشکده ها/
	همجواری ها	فواصل دانشکده ها به یکدیگر و فضاها/ خدماتی اصلی/ ارتباط عملکردی دانشکده های همجوار/ فاصله ورودی پردیس تا ایستگاه حمل و نقل عمومی شهر/ ورودی های پردیس/
	دسترسی پذیری پردیس	پیاده مداری/ سهولت دسترسی/ نزدیکی فضاها/ تعداد و ارتفاع پله ها/ مکانیابی پارکینگ ها/
	خوانایی پردیس	جهت یابی مناسب/ تسلسل نشانه ها/ تنوع فضایی/
	فرم پلان دانشکده	نورگیری فضاها/ محصوریت/ توده گذاری/ نوع ورودی/ تناسبات فضاها/
طرح معماری دانشکده	انعطاف پذیری	قابلیت استفاده چند عملکردی از فضاها/
	سلسله مراتب فضایی دانشکده	تعریف قلمرو فضایی و فضاها/ خدماتی مجزا در دو سطح دانشکده و رشته گروه/
	سبک معماری	وجود سبک طراحی دانشگاهی فضاها/ معماری بومی/ مطابقت کالبد با فعالیت/ رنگ و مصالح/
	دید و منظر	دید و منظر مطلوب به فضاها/ داخلی/ کریدورهای دید به خارج دانشگاه/ خوانایی و جهت یابی داخل دانشکده/
مهرانگیزی محیط دانشگاه	تلفیق با فضای سبز	نسبت فضای سبز به فضای ساخته شده/ تنوع پوشش گیاهی/ گلکاری/
	دلبازی و گشودگی	بزرگ بودن فضاها/ نورپردازی و روشنایی/ دید و منظر پنجره ها/
	هنر محیطی	نقاشی دیواری/ مجسمه و المان/ حوض و آبنا/ هنر دانشجویی/
	عوامل راحتی	مبلمان و چیدمان آن/ آسایش اقلیمی/ کیفیت خدمات و تجهیزات/
جایگاه شهری مطلوب	نگهداری خوب	تعمیر و بازسازی مناسب/ پاکیزگی/ نظم/
	ایمنی و امنیت	حضور امن ۲۴ ساعته در دانشگاه و محله اطراف/ سرزنده بودن محیط شهری پیرامونی/
	ارتباط موثر با اطراف	ارتباط با محلات پیرامون/ سازگاری عملکردهای اطراف با دانشگاه/ اختلاط کاربری/ قرارگیری در بستر فرهنگی آموزشی/ وجود مکان های جاذب دانشجو در اطراف/ خدمات فرهنگی(فرهنگسرا، تئاتر، سینما)/
	موقعیت جغرافیایی	بستر صاف و هموار/ آب و هوای مطلوب/ قرارگیری در مرکز شهر/ مقیاس شهری-فراشهری
برند دانشگاه	دسترسی شهری	دسترسی مناسب به انواع حمل و نقل همگانی/ سهولت دسترسی به نقاط مختلف شهر/
	کیفیت آموزش	اساتید خوب/ نظم آموزشی/ سطح علمی بالا/
	حال و هوای فضا	تیپ اجتماعی خاص/ معروف بودن/ نوستالژیک بودن/ قدیمی بودن/
توجه به شأنیت دانشجو	آزادی انتخاب	برابری جنسیتی/ عدم تفکیک جنسیتی فضاها/ حراست دانشگاه و مسائل امنیتی/ قوانین نانوشته در هر دانشگاه/
	زندگی سالم	امکانات ورزشی و فعالیت بدنی/ تغذیه سالم/
پاتوق گرایی	تعاملات اجتماعی	ارتباط با افراد/ تنوع اجتماعی/ دیدن دوستان/ فضاها/ گپ و گفت/ ارتباط نسل قدیم و جدید دانشکده/
جذابیت فعالیت ها	تنوع رفتارها	برگزاری رویدادهای مختلف علمی و غیر علمی/

نمازخانه به طور مجزا برای هر دانشکده در «سلسله مراتب فضایی دانشکده» بروز پیدا کرده است.

– **مهرانگیزی:** دسته‌ای از داده‌های معنایی اشاره به «عوامل راحتی» مشارکت‌کنندگان در محیط دانشگاهی دارند. تمایل به نیمکت و صندلی‌های راحت در لابی، محوطه و کلاس‌ها و همچنین چیدمان دورهمی آن‌ها جهت ارتباط بهتر با دوستان در کنار محافظت در برابر باد، باران و طوفان و حضور عنصر آب در حیاط که نمایانگر اهمیت آسایش اقلیمی می‌باشد از مواردی است که حس راحت بودن در فضا به آنان می‌دهد. به طور مثال محوطه

ریورساید، لاوگاردن و حیاط بز دانشگاه تهران مکان‌هایی با ارجاع زیاد از سوی دختران بوده که احساس راحتی در آنجا داشته و می‌توانند مدتی به دور از دید و شلوغی با خود و دوستان در میان فضای سبز خلوت کنند. همچنین کیفیت خدمات و تجهیزات مانند سیستم گرمایش و سرمایش کارآمد، اختصاص فضایی جهت استراحت دختران، توزیع عادلانه عمودی و افقی خدمات در دانشکده و مجهز بودن فضای انتظار، کلاس، بوفه و کتابخانه به امکانات رفاهی مورد نیاز مشارکت‌کنندگان در روایت آنان مشهود بوده است. از دیگر ویژگی‌های بارز دو دانشگاه منتخب،

قالب مفاهیم انتزاعی مانند برابری جنسیتی، عدم تفکیک جنسیتی فضاها، حراست دانشگاه و مسائل امنیتی، نبود قوانین محدود کننده استفاده از فضا و تجربه زن بودن در فضای بیرون خانه تداعی می‌کنند. در پیوند با این روایت‌ها، تجربه «آزادی انتخاب» در پردیس‌های دانشگاهی نیز بخشی از تجربه مکان می‌باشد. روایت مشارکت‌کنندگان از محدودیت‌های حراست و حس تحت کنترل بودن دختران موجب نارضایتی آنان شده است تا آنجا که در محیط دانشگاه دایما استرس مواجه با حراست را دارند. آنان خواستار آزادی پوشش ظاهری و برخورد رفتاری مناسب نیروهای امنیتی دانشگاه می‌باشند. گرچه دختران دانشجو دانشگاه تهران با پوشش نامتعارف دانشگاهی در فضا حضور پیدا می‌کنند اما برای این خواسته دایما در حال کشمکش با مرزهای جنسیتی هستند. مشارکت‌کنندگان در هر دو دانشگاه موافق ایجاد فضای خاصی برای دختران نبوده و اساسا با تفکیک جنسیتی و تیغه کشیدن در هر فضایی مانند سلف بین زن و مرد مخالف هستند. آنان معتقدند رشد فردی در تعامل با جنس مخالف امکان‌پذیر است. همچنین تمایل مخاطبان به «زندگی سالم» در محیط دانشگاهی به واسطه امکانات ورزشی و فعالیت بدنی و توجه به تغذیه سالم دانشجویان تبلور پیدا کرده است.

– **اهمیت پاتوق‌گرایی در دانشگاه:** تجربه دختران دانشجو از دانشگاه به واسطه برقراری ارتباط با افراد مختلف، وجود تنوع قومیتی دانشجویان، دیدن دوستان و افراد آشنا، گپ و گفت با دوستان، دانشگاه را به مکانی به مثابه پاتوق بدل کرده است. دسته‌ای از داده‌های معنایی بیانگر امکان تقویت «تعاملات اجتماعی» در محیط دانشگاهی بوده است. دانشگاه تهران و شهید بهشتی دارای تعدد مکان‌های تجمع‌پذیر رسمی و غیر رسمی می‌باشد. محیط دانشگاه با مشروعیتی که از دید فرهنگی و خانواده دارد، به دختران امکان حضور در جامعه و گسترش ارتباطات اجتماعی را می‌دهد. از این رو می‌تواند به مثابه پاتوقی امن در شهر برای دختران محسوب شود.

– **جذابیت فعالیت‌ها و رویدادهای دانشگاهی:** پردیس‌های دانشگاهی فضاهایی نه صرفا با عملکرد آموزشی، بلکه به لحاظ فرهنگی، ورزشی، هنری و سایر موارد محفلی جهت رفتارهای گوناگون می‌باشد. در این باره تمایل به محیط‌های دانشگاهی که «پذیرای رفتارهای چندگانه» مانند پرسه زدن و کشف فضاها، تماشا کردن، خوردن و نوشیدن، بازی کردن، ملاقات کردن، گپ زدن، خرید کردن، مطالعه کردن به صورت ایستاده یا نشسته، جمعی یا انفرادی، تجربه فضای رمانتیک در کنار فعالیت آموزشی محیط باشند، از سوی مشارکت‌کنندگان بارز است و منجر به مکث

خصیصه‌های زیست محیطی منحصر به فرد آن‌ها می‌باشد. دانشگاه شهید بهشتی به دلیل قرارگیری در مجاورت کوه البرز و رود درکه از موقعیت اکولوژیکی خاصی برخوردار است. دانشگاه تهران نیز تداعی‌کننده باغ‌های ایرانی می‌باشد. تمایل به لمس طبیعت از طریق تنوع پوشش گیاهی و سبز بودن محیط در معانی دختران دانشجو مضمون «تلفیق با فضای سبز» را بارز نموده است. دسته‌ای از داده‌های معنایی نمایانگر «دل‌بازی و گشودگی» فضا می‌باشد. تمایل به فضاهای بزرگ به جای فضاهایی که حس خفگی و ناامنی به فرد دست می‌دهد، نورپردازی و روشنایی مناسب کلاس‌ها، راهروها و فضای انتظار به جای فضاهای تاریک در کنار دید و منظر مناسب از داخل به خارج، موجب تجربه حس دل‌بازی مشارکت‌کنندگان شده است. داده‌های معنایی نقاشی دیواری، مجسمه و المان، حوض و آبنا، هنر دانشجویی اهمیت مضمون «هنر محیطی» را از نگاه دختران نشان می‌دهد. همچنین دسته‌ای از داده‌های معنایی به دلیل «نگهداری خوب» بارز است. اشاره به نظم و پاکیزگی محیط در کنار تمایل به تعمیر و بازسازی فضاها و تجهیزات فرسوده و از کار افتاده بیانگر این مهم می‌باشد.

– **برند دانشگاه:** تجربه دختران دانشجو می‌تواند به واسطه برند بودن دانشگاه متفاوت باشد تا آنجا که می‌توانند بسیاری از ناملایمات را به خاطر آن تحمل کنند. دانشگاه تهران و شهید بهشتی هر دو از نام آورترین دانشگاه‌های کشور می‌باشند. وجود اساتید خوب، نظم آموزشی و سطح علمی بالا در هر دو دانشگاه بیانگر اهمیت «کیفیت آموزشی» از منظر مشارکت‌کنندگان می‌باشد. همان‌طور که در روایات خود از دانشگاه تهران به عنوان نماد علم و دانشگاه مادر کشور یاد می‌کردند. حس فرهیختگی ارزشی است که شخصیت آنان را به این مکان پیوند می‌زند. همچنین فرد با برقرار کردن پیوندی از جنس هم‌سنخی میان خود و دانشگاه، آن را دانشگاه من می‌نامد و در معرفی خود به آنجا ارجاع می‌دهد و دوست دارند به آنجا ربط داشته باشند. مانند بیان اینکه من یک دانشگاه تهرانی هستم.

از دیگر خصیصه‌های اشاره شده؛ معروف بودن، نوستالژیک بودن و قدیمی بودن دانشگاه تهران و تیپ اجتماعی خاصی که دانشجویان آن به واسطه وجود دانشکده هنرهای زیبا دارند «حال و هوای فضا» را برای دختران خاص نموده است، کیفیتی که به طور مشابه در دانشگاه شهید بهشتی هم می‌توان یافت.

– **توجه به شأنیت و حقوق دختران دانشجو:** دسته‌ای از داده‌های معنایی نمایانگر ارزش و احترامی است که دانشگاه برای دختران دانشجو قائل است. در روایت دختران به نظر می‌رسد معیارهایی نقش کلیدی دارند که عقاید و ایده آل‌های فرد را در

نگهداری، نظم، ایمنی و امنیت محیط به عنوان عوامل موثر در ادراک دختران دانشجوی به مطالعه حاج رسولی‌ها اضافه شده است. کیفیت‌های مطرح از دید کنی و همکارانش [۲۸] نیز حول ابعاد کالبدی پردیس‌ها بوده است. کیفیت ساختار فضایی، پیاده‌مداری، دید و منظر، طرح معماری، فشردگی و اختلاط کاربری او را می‌توان متناظر با طرح چیدمان پردیس دانشگاهی تلقی نمود. داشتن معنا و زیبایی، پایداری و تکنولوژی متناظر با مهرانگیزی و ارتباط با اطراف را متناظر با جایگاه شهری پردیس در نظر گرفت. بر این اساس پژوهش حاضر عوامل غیرکالبدی و تعدادی از عوامل کالبدی محیط مانند دلبازی و گشودگی فضایی، تراکم ارتفاعی، نورپردازی فضاها، عوامل راحتی، هنر محیطی، ایمنی و امنیت و موقعیت جغرافیایی پردیس را که در ادراک زنان از فضاهای مربوطه مهم بوده را به اصول کنی اضافه نموده است. ابعاد موثر در طراحی پردیس دانشگاهی ابوغزه [۲۹] نیز به جنبه‌ای محدود از عوامل موثر اشاره داشته است. تمام ویژگی‌های طراحی پردیس دانشگاهی او را (شامل بصری، زیستی، عملکردی و رفتاری) می‌توان در دسته مهرانگیزی پژوهش حاضر جای نمود که به عوامل غیرکالبدی و دیگر کیفیت‌های کالبدی اشاره‌ای نداشته است. گریفیث [۳۱] و گینز [۳۲] نیز هر کدام به جنبه‌ای از کیفیت‌های کالبدی اشاره داشته‌اند. ساختار فضایی گریفیث و گینز را می‌توان متناظر با طرح چیدمان پردیس دانشگاهی پژوهش حاضر، مبلمان مناسب گینز و مناظر طبیعی گریفیث را متناظر با مهرانگیزی معرفی نمود. هر دو از ارتباط پردیس دانشگاهی با شهر و عوامل غیرکالبدی موثر در ادراک کاربران فضاهای مربوطه بازمانده‌اند. راهکارهای موسسه آر تی اف [۳۳] جهت طراحی مطلوب پردیس‌های دانشگاهی را می‌توان متناظر کیفیت‌های پژوهش پیش رو در نظر گرفت. بدین ترتیب کیفیت‌های اتخاذ استراتژی‌های برنامه ریزی شهری، جهت‌یابی و هویت، تنوع فضایی متناظر زیرمعیارهای طرح چیدمان پردیس دانشگاهی؛ تعاملات اجتماعی متناظر پاتوق گرایی؛ بهره‌گیری از تکنولوژی، تنوع زیستی، استفاده از پایداری به عنوان ابزار آموزشی، تجربه زندگی در دانشگاه و تشویق کارآفرینی دانشجویان متناظر مهرانگیزی؛ فضایی برای همه و تمرکز بر ورزش و سلامت دانشجویان متناظر با توجه به شأنیت دانشجوی می‌باشد. در این بین کیفیت‌های برند دانشگاه، طرح معماری دانشکده، فعالیت‌های جذاب محیط و جایگاه شهری دانشگاه مواردی است که مازاد راهکارهای مطرح شده از سوی موسسه آر تی اف پژوهش پیش رو به آن دست یافته است. همچنین با

طولانی مدت آنان در فضا می‌شود. مانند سلسله نشست‌های نقد کتاب، جلسه‌های شعرخوانی، حافظ خوانی، شب شعر دانشجویان ادبیات دانشگاه شهید بهشتی و یا برگزاری خیریه غذا، مسابقات ورزشی بین دانشکده‌ها، تماشای رویدادهای هنری دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا، کافه و سینما رفتن دختران دانشجوی دانشگاه تهران، فضای دانشگاه را از محیط تک بعدی آموزشی جدا کرده و تجربه ای خاص در محیطی امن برای دختران فراهم کرده است.

۵. بحث و تحلیل

پژوهش پیش‌رو با تاکید بر شناخته شدن مقام زن بر اساس ترجیحات محیطی دختران دانشجوی در محیط‌های دانشگاهی دو بعد کالبدی و غیرکالبدی را در مناسب‌سازی پردیس‌های دانشگاهی جهت ارتقاء حضور پذیری دختران دانشجوی موثر دانسته است. با مقایسه تطبیقی یافته‌های پژوهش پیش رو با کیفیت‌های پردیس خوب طراحی شده از سوی نظریه پردازان می‌توان اهمیت بعد غیرکالبدی را در ادراک دختران دانشجوی مهم تلقی نمود. دوبر [۲۶] در ارائه چارچوب طراحی پردیس‌های دانشگاهی به عوامل کالبدی محیطی توجه داشته است. در کیفیت‌های مطروحه دوبر می‌توان ساختار و پیکربندی فضایی را متناظر با طرح چیدمان پردیس دانشگاهی؛ محوطه‌سازی و مناظر طبیعی را متناظر با مهرانگیزی و پاتوق گرایی؛ مواد و مصالح و سبک را متناظر با سبک معماری دانشکده‌ها و نشانه را متناظر با خوانایی پژوهش پیش‌رو در نظر گرفت. در این میان او از اهمیت عوامل غیرکالبدی موثر در ادراک کاربران فضا، ارتباط پردیس با شهر، برند دانشگاه، جذابیت فعالیت‌ها و رویدادهای دانشگاهی، توجه به شأنیت و حقوق دانشجوی غافل مانده است. همچنین با مقایسه یافته‌های پژوهش پیش‌رو با کیفیت‌های فضایی پردیس خوب طراحی شده حاج رسولی‌ها [۲۷] می‌توان آن‌ها را متناظر با عوامل کالبدی پژوهش حاضر تلقی نمود. از این رو کیفیت‌های اختلاط کاربری، فشردگی، پیکربندی او متناظر با طرح چیدمان پردیس دانشگاهی؛ اتصالات و زمینه متناظر با جایگاه شهری پردیس؛ زندگی در پردیس و سبز بودن را متناظر با مهرانگیزی پژوهش حاضر در نظر گرفت. تمرکز مطالعه او بر ابعاد کالبدی پردیس‌های دانشگاهی بوده و عوامل غیرکالبدی موثر در ایجاد پردیس مطلوب، به غیر از عوامل اقتصادی مطروحه، در مطالعه او بررسی نشده است. از این رو در پژوهش حاضر کیفیت‌های برند دانشگاه و توجه به شأنیت و حقوق دانشجوی به عنوان عوامل غیرکالبدی و همچنین در بعد کالبدی کیفیت‌های دلبازی و گشودگی فضاها، تراکم ارتفاعی، رنگ و مصالح، سبک معماری، موقعیت جغرافیایی پردیس، هنر محیطی، عوامل راحتی،

مطابقت کیفیت‌های پردیس خوب طراحی شده موسسه پی پی اس [۳۴] می‌توان کیفیت بهبود دسترسی را متناظر با دسترسی‌پذیری طرح چیدمان پردیس دانشگاهی پژوهش حاضر و به همین ترتیب ارتقاء حس راحتی را متناظر با عوامل راحتی مهرانگیزی؛ حس در اجتماع بودن و تعاملات اجتماعی متناظر با پاتوق‌گرایی دانشگاه؛ ارتقاء سلامت متناظر با زندگی سالم توجه به شاینت و حقوق دانشجو و حمایت از اقتصاد محلی را متناظر با عوامل اقتصادی در نظر گرفت. همان‌طور که پیداست ترجیحات محیطی زنان دانشجو در پردیس‌های دانشگاهی فراتر از کیفیت‌های مطرح شده عام پردیس‌های دانشگاهی از سوی موسسه پی پی اس می‌باشد. تاثیر عوامل برند دانشگاه، جذابیت فعالیت‌ها و رویدادهای دانشگاهی، طرح توده‌گذاری پردیس، سلسه مراتب فضایی، همجواری‌ها، خوانایی پردیس، فرم پلان دانشکده، انعطاف‌پذیری فضاها، سبک معماری، تلفیق با فضای سبز، دلبازی و گشودگی، هنر محیطی، ارتباط موثر با اطراف و موقعیت جغرافیایی پردیس دانشگاهی از سوی این موسسه به طور کلی دیده نشده و پژوهش حاضر به موارد آن اضافه نموده است.

در مطالعاتی که به طور خاص در مورد زنان توسط لیزا [۳۵]، تیلور [۳۶]، کولوداسکی و دیگران [۳۷] صورت گرفته تنها بعد اجتماعی زنان در قالب موضوعات ناامنی و خشونت جنسیتی علیه زنان در پردیس‌های دانشگاهی بررسی شده است. در این مطالعات مسائل زنان در محیط‌های مذکور ناشی از تفاوت‌های نژادی بوده و راهکارهایی از جنس اجتماعی نیز برای آن‌ها ارائه شده است. در حالیکه بحث زنان در جامعه ایرانی فراتر از تفاوت‌های قومی و نژادی می‌باشد. در جامعه سنتی مردسالار ایرانی تفاوت‌هایی که به لحاظ مدنی و حقوقی بین زنان و مردان وجود داد این موضوع را متفاوت از دیگر کشورها برجسته نموده است. پژوهش حاضر علاوه بر مباحث اجتماعی مانند امنیت زنان، عوامل کالبدی و سایر عوامل غیرکالبدی شامل فعالیت‌ها و رویدادهای پردیس‌های دانشگاهی، پاتوق‌های جمعی، توجه به حقوق و شاینت دختران دانشجو را در ادراک دختران از تجربه زیسته پردیس‌های دانشگاهی مهم تلقی نموده است. بنابراین می‌توان ادعا نمود ادراک تجربه زنان از پردیس‌های دانشگاهی باید با در نظر گرفتن جایگاه و نقش زنان در جامعه مورد مطالعه بررسی گردد.

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از آن است قرارگیری پردیس‌های دانشگاهی در مرکز شهر و هم‌پیوندی آن با محیط پیرامونی فرصت تجربه زندگی شهری و در شهر بودن را برای دختران دانشجو به ارمغان

آورده و از آن طریق به زنانه شدن فضاهای شهری کمک می‌کند. موقعیت متفاوت پردیس‌های دانشگاهی منتخب در شهر فرصتی را برای کشف رابطه جایگاه شهری پردیس با تجربه فضایی زنان از محیط‌های مذکور ارائه نموده است. بر اساس طبقه‌بندی پردیس‌های دانشگاهی پیرسه، دانشگاه تهران را می‌توان در دسته اول قرار داد. امتزاج شهر و دانشگاه در یکدیگر سبب ایجاد حس در شهر بودن به واسطه استفاده از دانشگاه شده است. به عنوان مثال، وجود کاربری‌های ۲۴ ساعته جاذب دانشجو در محور خیابان انقلاب موجب امنیت محله پیرامونی دانشگاه تهران برای دختران دانشجو در دیر هنگام شده است. اما دانشگاه شهید بهشتی را می‌توان از نوع سوم دانست. دانشگاهی که به طور مستقل و خودکفا در لبه شمالی شهر توسعه یافته و تمامی نیازهای کاربران خود به خوابگاه، پژوهش، ورزش و امکانات رفاهی را در خود فراهم نموده و به دانشگاهی منزوی، فاقد ارتباط با خارج از خود بدل گردیده است. بر اساس معناهای استخراج شده، به نظر می‌رسد دختران دانشجو تمایل به توسعه پردیس‌های دانشگاهی نوع اول (شکل ۲)، ارتباط حداکثری شهر و پردیس، دارند. این مهم بیانگر اهمیت مضمون جایگاه شهری در کنار سایر عوامل کالبدی محیط می‌باشد. همچنین به نظر می‌رسد بحث امنیت به قدری برای زنان جدی تلقی شده که نمود آن را در فرم کالبدی فضاها مانند تمایل آن‌ها به فضاهای دلباز، روشن، رویت‌پذیر، خوانا در مقابل عدم تمایل به حضور در فضاهای تاریک، تنگ و باریک، مکان‌های اختفا و پیچیده و رازآلود می‌توان مشاهده نمود. لذا با توجه به متفاوت بودن نیازهای فضایی زنان، می‌بایست فضاهای دانشگاهی بر اساس ترجیحات محیطی آنان بازنگری و مناسب‌سازی شده و در طرح‌های آتی در دستور کار طراحان و برنامه ریزان محیط‌های مدنظر قرارگیرد.

منابع:

- [1]- Fazeli, N. (2015). Feminization of Urban Spaces in Contemporary Iran: With Emphasis on Tehran Grand City Spaces. *Pazuhesname-ye zanan*. 6(2). 107-132.
- [2]- Hoch, S. J. (2002). Product experience is seductive. *J. Consum. Res.* 29 (3), 448-454.
- [3]- Tschumi, B. (2012). *Events: The Turning Point in Architecture Concepts: Red is Not a Color*. Rizzoli, New York.
- [4]- Leatherbarrow, D. (2005). *Architecture's unscripted performance*. Kolarevic, B., Malkawi, A. (Eds.), *Performative Architecture*,

- [17]- Bondi, L., & Davidson, j. (2005). Situating gender. A companion to feminist geography. 15-31.
- [18]- Rose, G. (1993). *Feminism and Geography: the limits of geographical knowledge*. Polity, 1st edition.
- [19]- Pearce, M. (2001). *University Builders*, Academy Press Publisher; 1th edition. 13-14.
- [20]- Heijer, D. C. A. (2008). *Managing the University Campus in an Urban Perspective: Theory, Challenges and Lessons from Dutch Practice*. Corporations and Cities, Envisioning Corporate Real Estate in the Urban Future.
- [21]- Heijer, D. C. A. & Magdaniel, F.T. (2012). The university campus as a knowledge city, exploring models and strategic choices. *International Journal of Knowledge-Based Development*, 3(3) 283–304.
- [22]- Heijer, D. A.C. & Magdaniel, F.T. (2018). *Campus–City Relations: Past, Present, and Future*. P. Meusburger, M. Heffernan, and L. Suarsana (eds.) *Geographies of the University*. Cham: Springer International Publishing, 439–459.
- [23]- Strange, C.C., & Banning, J.H. (2001). *Education by design: Creating campus learning environments that work*. The Jossey-Bass higher and adult education series. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- [24]- Lang, J. (1987). *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. New York: Van Nostrand Reinhold Co.
- [25]- Dober, R. P. (1996). *Campus planning*. Chem: Reinhold.
- [26]- Dober, R. P. (1992). *Campus Design*. New York, NY: John Wiley & Sons.
- [27]- Hajrasouliha, A. H. (2017). Master-planning the American campus: goals, actions, and design strategies. *Urban Design International*, 22(4), 263-381.
- [28]- Kenney, D. R., Dumont, R., & Kenney, G.S. (2005). *Mission and place: Strengthening learning and community through campus design*. Westport: Greenwood.
- [29]- Abu-Ghazze, M.(1999). *Outdoor Spaces at the University of Jordan Communicating beyond Instrumentality* 2–16 Spon Press, New York, NY.
- [5]- Anderson, S. (2011). *Seductive Interaction Design: Creating Playful, Fun, and Effective User Experiences*. New Riders, Berkeley, CA.
- [6]- Rahimi, F. B., levy, R. M., Boyd, J. E., & Dadkhahfard, S. (2018). Human behaviour and cognition of spatial experience; a model for enhancing the quality of spatial experiences in the built environment. *International Journal of Industrial Ergonomics*, 68, 245–255.
- [7]- Rendell, J. (2000). Introduction: ‘Gender, Space, in Gender space architecture an interdisciplinary introduction. London and New York, Routledge, 101.
- [8]- Pakzad, J. & Bozorg, H. (2012). *Alphabet of environmental psychology for designers*. Tehran: Arman-Shahr.
- [9]- Narcissians, A. (2005). *Anthropology of Gender, Publication of the Thoughts of the Cultural Heritage Organization*, first edition.
- [10]- Robertson, I. (1989). *Society: A Brief Introduction*. Worth Publishers Inc. U.S., Published.
- [11]- Lawanga, M. (2001). *Gender, Environment and Sustainable Development*. Paper presented at Sustainable Development, Governance and Globalization Meeting: An African Forum for Strategic thinking Towards the Earth Summit 2002 and beyond, Nairobi, Kenya, Vol. 2.
- [12]- Cuthbert, A. (2006). Chapter Six: Gender. the form of cities, Black well publishing, 128.
- [13]- Massey, D. (1994). *Space, Place and Gender*, London and Minneapolis, University of Minnesota press, MN, Vol. 179.
- [14]- Madanipour, A. (1996). *Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process*: John Wiley & Son Ltd.
- [15]- Massey, D. (1984). *Spatial Divisions of Labour: Social Structures and the Geography of Production*. London: Macmillan.
- [16]- McDowell, L. (1983). Towards an understanding of the gender division of urban space. *Environment and planning. Society and Space*. 1(1), 59-72.

Behavioral Research to Campus Design. Factors Affecting the Perception and Use of Jordan, Environment and Behavior, 31(6), 764-804.

[30]- Franklin, C., Durkin, T. & Schuh, S. P. (2003). The Role of the Landscape in Creating a Sustainable Campus, Planning for Higher Education. 142-149.

[31]- Griffith, J. C. (1994). Open space preservation: An imperative for quality campus environments. Journal of Higher Education, 65(6), 645-669.

[32]- Gaines, T. A. (1991). The campus as a work of art. New York: Praeger Publishers.

[33]- Re-thinking the future. 10 things to remember while designing a university campus. <https://www.re-thinkingthefuture.com>

[34]- Project for public spaces. The benefits of great spaces. <https://www.pps.org>.

[35]- Brush, L. D. & Miller, E. (2022). Re-Envisioning Bystander Programs for Campus Sexual Violence Prevention. Journal of family violence.

[36]- Taylor, Z. W. (2021). I Do Not Speak as Freely: Gendered Views on Campus Carry at a Research University. Education and Urban Society.

[37]- Klodawsky, F. & Lundy, C. (1994). Women's safety in the university environment. Journal of Architectural and Planning Research. 11(2), 128-136.

[38]- Gifford, R. (2016). Research Methods for Environmental Psychology, UK: WILEY.

[39]- Graneheim, Ulla H., et al. (2017). Methodological Challenges in Qualitative Content Analysis: A Discussion Paper. in Nurse Education Today, 56, 29-34.

[40]- Gill, P., Stewart, K., Treasure, E. & Chadwick, B. (2008). Methods of data collection in qualitative research: interviews and focus groups. British Dental Journal, 204(6). 291– 295.

[41]- Strauss, A. & Corbin, J. (1990). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Newbury Park, CA: Sage Publications.